

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوه‌های تربیت دینی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

نیر شاه‌حسینی‌یان^۱

چکیده

تربیت در اسلام یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های دین است. مراد از تربیت، شکوفایی «تمامیت خود» در «ذات خود» از «درون خود» و برای خداگونه شدن «خود» است. این راهی است که نقشه‌ی آن در درون مایه‌های فطرت به زیباترین و طبیعی‌ترین شکل آن وجود دارد و بنا نیست که از بیرون دریافت شود؛ بلکه عوامل بیرونی صرفاً زمینه‌ساز؛ مهیا‌کننده و تسهیل‌کننده هستند و مربی تربیتی صرفاً در حد بیدار کننده‌ی شرایط رشد است. مربی می‌تواند محرک‌ها و عواملی را فراهم کند که مربی به بیداری دست یابد. چراکه هیچ‌گونه هدف‌گذاری خارج از وجود مربی صورت نمی‌گیرد و اگر تربیت به راستی طبیعی و فطری باشد، هدف آن در ذات آن است. تحقیق رو برو به تبیین شیوه‌های مستقیم همچون موعظه و اندرز، انذار و تبشیر، تشویق و تنبیه و نصیحت و خیر خواهی و شیوه‌های غیر مستقیم همچون تربیت عملی، تربیت الگویی، تربیت عادات فعال و تربیت تدریجی در تربیت دینی از منظر اندیشمندان اسلامی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌پردازد تا با استفاده از این شیوه‌ها زمینه تدین عمیق را در جوامع اسلامی ایجاد کنیم.

کلید واژگان

شیوه، تربیت دینی، فطرت، مربی، مربی

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه حضرت حجت (عج)

۱. مقدمه

۱-۱ مفهوم شناسی

پیش از آغاز هرگونه بحثی در زمینه تربیت دینی، برای تبیین دقیق موضوع، ابتدا باید مفاهیمی چون فطرت، شیوه، تربیت، دین، الگو و تدریج را تبیین و تعریف کرد.

۱-۱-۱ فطرت

از ماده «فطر» در لغت به معنای شکافتن، گشودن شیء و ابراز آن، ابتدا و اختراع، ایجاد و ابداع آمده است.^۱

۱-۱-۲ شیوه

به معنی طرز و روش و قاعده و طریقه و راه است.^۲

۱-۱-۳ تربیت

در مورد ریشه واژه تربیت دو دیدگاه وجود دارد؛

الف. ربو: بر این اساس تربیت به معنای زیاد کردن، افزودن، نمو دادن و پرورش دادن و فراهم آوردن موجبات رشد شیء است.

ب. ربب: بر این اساس تربیت به معنای نظارت کردن، سرپرستی، رهبری کردن، پروراندن و به کمال رساندن شیء است.^۳

در این که ریشه اصلی تربیت کدام است، اختلاف نظر بین علمای لغت وجود دارد.

در قرآن تربیت به دو معنا استعمال شده است؛

الف. ربو: وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِ صَغِيرًا، بگو پروردگارا به پدر و مادرم که مرا در کودکی و خردسالی بزرگ کردند رحم کن.

ب. ربب: واژه تربیت از ریشه اصلی و اولی «ربب» و مشتقات آن مانند «رب»، «ربوبیت» و «مربوب» در قرآن و ادعیه به طور فراوان به کار رفته است.^۴

^۱ آیت الله جوادی آملی، عبد الله، فطرت در قرآن، صفحه ۲۳

^۲ دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، صفحه ۲۸

^۳ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده ربو و ربب

^۴ عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ماده رب

۱-۱-۴ دین

از نظر لغوی دین معانی گوناگونی دارد که عبارتند از: عادت، شأن، حساب، جزاء، اطاعت و اسلام. از نظر اصطلاحی نیز دارای معانی بسیاری است که منظور ما از دین در این نوشته، همان دین اسلام است.^۱ إِنَّ الدین عند الله الإسلام.^۲ همانا دین در نزد خداوند اسلام است.

۱-۱-۵ تربیت در نگاه دینی

عبارت است از پرورش دادن که هم شامل رشد جسمانی و هم رساندن متربی به کمال روحی می‌شود. به عبارت دیگر؛ تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی بی را که بالقوه در یک موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن.^۳

۱-۱-۶ الگو

در لغت به معنی طرح، سرمشق، نمونه، مثال و مدل و... آمده است. و در اصطلاح به طرح و نمونه و مدلی از شکل یا اشیاء یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود.^۴

۱-۱-۷ تدریج

در لغت به معنی درجه درجه پیش رفتن، پله پله بالا رفتن است و در اصطلاح به حرکت گام به گام اطلاق می‌شود.^۵

با توجه به تعریف پیش گفته مقصود از تربیت دینی، فرایند پرورش، شناخت خداوند و احساس تعلق و محبت به او و تعبد در برابر او، در انسان است و از طرفی اعتقاد به اصول و معارف اولیه دین در نهان هر بشری است. لذا پیامبر اکرم(ص) راجع به خطوط کلی دین فرمودند:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، هر انسانی بر فطرت آفریده می‌شود.^۶

در واقع فطرت به معنی سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است.^۷

علمای دینی ویژگی‌هایی را برای فطرت بیان کرده اند؛ از جمله:

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۴، صفحه ۳۴۰

^۲ آل عمران، ۱۹

^۳ مطهری، مرتضی-تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ۲۲

^۴ سید داوود حسینی نسب و علی اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، صفحه ۶۳۲

^۵ معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۱

^۶ علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۳، صفحه ۲۷۹

^۷ آیت الله جوادی آملی، عبد الله، فطرت در قرآن، صفحه ۲۴

۱. معرفت و آگاهی و بینش فطری و نیز گرایش های عملی انسان تحمیلی نیست، بلکه در نهاد او تعبیه شده است نه مانند علم حصولی که بیرون آمده باشد.

۲. با فشار و تحمیل نمی توان آن را زایل کرد، لذا تغییر پذیر نخواهد بود و به عبارت دیگر ثابت و پایدار است؛ گر چه ممکن است تضعیف شود.

۳. فراگیر و همگانی است. چون حقیقتا انسان با این واقعیت سرشته شده است.

۴. چون بینش و گرایش انسان متوجه هستی محض و کمال مطلق است، از ارزش حقیقی برخوردار بوده و ملاک تعالی او است. و از این رهگذر، تفاوت بین انسان و سایر جانداران باز شناخته می شود.^۱

بنابر این گرایش های انسان، مسبوق به گزارش های علمی اوست. انسان به چیزی گرایش دارد که آن را بفهمد، چه با علم حصولی و چه با علم حضوری. یعنی انسان ابتدا آن چیز را ادراک می کند و می فهمد، سپس به آن گرایش پیدا میکند. تمام گرایش های عملی انسان به امامت گزارش های علمی او شکل می گیرد.

انسان گرایش به کمال مطلق و خیر و پاکی دارد، گرچه خدا به او فجور و تقوا را نیز الهام کرده و او به خیر و شر و بد و خوب آگاه است. ولی میلش به سمت تقوا و خیر و خوبی است.

اینجاست که می توان گفت؛ طلب دو قسم است:

یکی طلب برخاسته از تلقین، تقلید، عادت، رسوم، فرهنگ ها و سنن مردمی و دیگری طلب فطری.

اگر طلب فطری باشد مسبوق به شهود واقعیت است و طالب فکری با علم شهودی، حقیقتی را آگاه می شود و جستجو می کند تا آن را بیابد و یافته خود را بر معلوم خویش تطبیق کند.^۲

«إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^۳ رسول خدا (ص) در عین حال که معلم انسان هاست، مذكر آنان نیز هست، یعنی تو مذكر و یاد آور همه مردمی، هر آنچه که به بشرگویی در نهان او نیز وجود دارد، تو فقط به او متذكر و یاد آوری می کنی.

بنابراین فطرت انسان غیر از گرایش به کمال منش دیگری نخواهد داشت. به شرط اینکه سوء تربیت خانواده یا محیط جامعه او را آلوده نکند و اگر انسانی در اثر تربیت غلط در مسیر فجور و شر و بدی قرار گرفت، این سیر و حرکت در واقع تحمیلی بر حقیقت اوست.

۱-۲ اهمیت تربیت

(وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ) ابراهیم و یعقوب در بازپسین لحظات عمر به این آیین پاک توحیدی وصیت کردند (یا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ إِصْطَفَى لَكَمُ الدِّينَ) فرزندان من! خداوند این آیین توحیدی را به شما برگزیده است

^۱ آیت الله جوادی آملی، عبد الله، فطرت در قرآن، صفحه ۲۶ و ۲۷

^۲ همان، صفحه ۵۰

^۳ غاشیه، ۲۱

(فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) بنابراین جز بر این آیین رهسپار نشوید و جز با قلبی مملو از ایمان و تسلیم جهان را وداع نگویند.^۱

قرآن با نقل وصیت ابراهیم (ع) گویا می خواهد این حقیقت را بازگو کند که شما انسان ها تنها مسئول امروز فرزندانان نیستید، بلکه مسئول آینده آنها نیز می باشید. تنها به هنگام چشم بستن از جهان نگران زندگی مادی فرزندانان بعد از مرگتان نباشید، به فکر زندگی معنوی آنها نیز باشید. مهم ترین کار انسان در این دنیا این است که خود در راه تربیت شدن به تربیت دینی بکوشد و زمینه رسیدن دیگران به این مهم را نیز فراهم سازد، پس باید تمام هم و غم خود را بر این بگذارد. این امر اهمیت و ضرورت تربیت دینی را نشان می دهد.

۱-۲-۱ جایگاه والدین در تربیت

وَمُعَلِّمِ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبِهَا أَحَقُّ بِالْجَلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.^۲
آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است، از آن کسی که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.

تصور ما این است که تربیت برای رشد متربی است، ولی واقعیت است که تربیت مرحله ای از رشد مربی نیز می باشد. اینکه بتوان مواجهه درست با اشتباهات متربی داشت و برای اصلاح مداوم تکنیک ها و اجرای درست راهبردهای تربیتی تلاش کرد، و نیز صبر و متانت بیشتر در تربیت داشت، نیازمند تربیت خود مربی است. روزی رسول اکرم (ص) به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: (وَيْلٌ لِلْأَوَّلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ) وای بر فرزندان آخر الزمان از روش پدرانشان! (فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟) سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ حضرت فرمودند: نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرایض دینی را به آنها یاد نمیدهند و اگر فرزندان هم پی فراگیری بروند، آنها را منع میکنند و تنها از این خوشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمودند: (فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنْنِي بِرَاءٌ) من از پدران بیزارم و آنان از من بیزارند!^۳

امام خمینی (ره) هدف اساسی تعلیم و تربیت را «تربیت دینی» دانسته اند. و فرموده اند: « مواظب باشید که اعمالتان، اعمال صالح باشد، قیامتان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد، خودتان را تهذیب کنید. هرکدام بچه دارید، تربیت کنید، تربیت الهی کنید، تربیت شیطانی نکنید».^۴

^۱ یقره، ۱۳۲

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۷۳

^۳ شعیری - محمد بن محمد- جامع الاخبار-صفحه ۱۰۶

^۴ ماهنامه تربیت- سال ۱۳۱۴-شماره ۹-صفحه ۶

۱. عادات انفعالی یا فعل پذیر که بدون انگیزه و هوشیاری انجام می شود و موجب توقف فرایندهای اندیشه ورزی انسان می گردد.

۲. عادات فعال و ارادی که به تدریج، انس و الفتی در فرد به وجود می آورد و تکرار آن به فعالیت و پویایی می انجامد. مانند عادت به سحرخیزی، عادت دادن به ریاضت و تحمل سختی ها و استقامت که به نوعی مهارتِ خود کنترلی در زندگی تبدیل می شود.^۱

در بیانات امام خامنه ای داریم که می فرمایند: مسیر نظام آموزشی ما باید از وضعیت خلاقیت کشی خارج شود. وقتی کودک را خرد ورز پرورش دهیم، نهادهای کردن و آموزش، آموزش های دینی در او بسیار آسان تر است.^۲ بچه ها را به کتاب خوانی عادت دهید و کتاب های مفید و مناسب سن آن ها تهیه کنید. بچه های کوچک باید با کتاب انس پیدا کنند.^۳

حقیقت دین نیز جز ترک «عادت پرستی» (عادات کورکورانه) نیست.

و عَوَّدَ نَفْسَكَ لِتَتَصَبَّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعَمَ الْخُلُقِ اَلْتَصَبَّرَ فِي الْحَقِّ.^۴

خود را به شکیبایی عادت ده در آنچه ناخوشایند است، که شکیبایی ورزیدن عادت پیسنده و ارجمند است. در جریان تربیت، آن هم زمانی که موضوع آن انسان باشد، همراه با آگاهی و انتخاب است نه عادت کورکورانه. فردی که شکیبا و صبور نیست، چنانچه خواهان اتصاف به صفت صبر باشد، باید با مراقبت و تمرین و تکرار، بذل و گذشت؛ تا آن اندازه به این کار ادامه داده و در مقام عمل، صبر را منش و روش روزانه و همیشگی خود قرار دهد تا آنکه آرام آرام انجام آن توأم با میل قلبی و مقتضای طبیعت وی گردد. چرا که عادات فعال تربیتی که در اثر تمرین های پیگیر به وجود می آید، در برخی موارد بسیار قوی و ریشه دار می شود.

۲-۲-۴ تربیت تدریجی

تربیت یک قالب کلی نیست که ما بیاایم این قالب کلی را در یک محدوده زمانی کوتاهی در فرزندان خود جا بدهیم بلکه یک فرایند استمراری است که باید به تدریج در فرزندان (متربی) محقق شود.

یکی از اصول مهم تربیتی، اصل تدریج است.

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً.^۵

و کافران گفتند: چرا قرآن به یک باره بر پیامبر نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم.

^۱ موریس دویس، مراحل تربیت

^۲ بیانات رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای حفظه، فرهنگ و هنر، ۱۳۹۱/۸/۲۲

^۳ بیانات رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای حفظه، ۱۳۷۴/۲/۲۶

^۴ نهج البلاغه، ج ۱، صفحه ۳۹۱

^۵ فرقان، ۳۲

یکی از اشکالاتی که امروزه در برخی خانواده میبینیم ، این است که فرزندان خود را رها میکنند . بی دقتی می کنند در امور تربیتی و یک جایی ، یک مرتبه به خود می آیند و می بینند ، کودک آسیبهایی دیده است. مثلاً در سن نه سالگی دختر بچه‌ای ، بعد از اینکه کودک به سن تکلیف رسید یکباره انتظار دارند که از فردای مکلف شدن، دختر خانم حجاب کامل داشته باشد و چادر سر کند و حد و حدود را بین محرم و نامحرم رعایت کند. عملاً این امر نشدنی است. زیرا در بحث تربیت تدریجی، از همان دوران کودکی و قبل از تکلیف باید والدین نسبت به این امر اهتمام داشته باشند تا این تربیت تدریجی حاصل شود و در سن تکلیف نمو پیدا کند. در تربیت تدریجی، تربیت گام به گام حاصل می شود و همین باعث استواری فرد در انجام عمل و تکلیف می‌شود.

سال ها باید که تا یک کودک از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

" سعدی "

نتیجه گیری

حس دینی اساساً در طبیعت و فطرت کودک ودیعه نهاده شده است. تنها زمینه یابی و آماده سازی روانی و عاطفی لازم است تا خود فرد بدون «تلقین»، «تحمیل» و «تقلید» عاری از عادت و اجبار بیرونی به کشف و شکوفایی آن حس دست یابد.

بنابراین در تربیت دینی اگر هم آموزش و تعلیمی در این مورد وجود دارد، در جهت یاری دادن به مخاطب برای چگونگی کشف آن از درون خود می باشد؛ نه اینکه فراورده های دینی از بیرون و به طور آماده در اختیار او گذاشته شود. زیرا با ارضای بیرونی و دادن مطالب عاریه ای به او، انگیزه ی درونی، کنجکاوی ذاتی و نیاز فطری او را به دین کاهش داده ایم. حال آنکه برعکس، باید او را تشنه تر و نیازمندتر نموده و به جای اشباع، ذهن او را تشنه نماییم و اشتها ی به دین را جایگزین «اشباع زدگی» از دین بکنیم. در این صورت «دین ورزی» به «دین باوری» می انجامد و «دین دهی» به «دین یابی» منجر می شود و در نهایت «دین مداری» در مدار باور درونی به «دین داری پایدار» تبدیل می شود.

فهرست منابع

*قرآن الکریم

*نهج البلاغه (۱۳۸۷)، (مترجم: محمد دشتی، چاپ چهاردهم)، قم: نشر الهادی.

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۳۶۶)، عده الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتاب اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۷۱۱-۶۳۰ق)، لسان العرب، بیروت: دارصار.
۴. اسماعیلی یزدی، عباس، (۱۳۸۳)، فرهنگ تربیت، تهران: کتاب جمکران.
۵. آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۸)، غررالحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب اسلامی.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۴)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۷۷)، فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر هاجر.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، فرهنگ لغت دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سید داوود حسینی نسب و علی اصغر اقدم، (۱۳۷۶)، فرهنگ واژه ها، تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، تهران: احرار.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد، (قرن ۶ هجری)، جامع الاخبار، نجف: مطبعه حیدریه.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۳)، الغیبه، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۱۳. عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۴۰۷ه ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بیروت: دارالفکر.
۱۴. کریمی، عبد العظیم، (۱۳۸۳)، اثرات پنهان تربیت آسیب زا، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۵. کریمی، عبد العظیم، (۱۳۸۱)، تربیت طبیعی در مقتبل تربیت عاریه ای، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دار الکتاب اسلامی.
۱۷. لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۲)، بحار الانوار (جلد ۷۱، ۵۳، ۴۳، ۳)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.

۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، فطرت، تهران: صدرا.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه (جلد ۱، ۱۵، ۲۵)، تهران: دار الکتب اسلامی.

۲۲. معین، محمد، (۱۳۸۶)، تهران: زرین.

۲۳. موریس دویس، مراحل تربیت، (۱۳۷۴)، مترجم: علی محمد کاردان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۲۴. میرزا خان، حامد، (۱۳۹۶)، شیوه های تربیت کلامی از منظر سوره لقمان و روایات، اولین همایش قرآن و روانشناسی در تهران. <https://civilica.com/doc/1033070>

۲۵. نقیب زاده، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: طهوری.

www.khamenei.ir